

اگر بتوانید پاسخ این ۷ سوال را پیدا کنید، موفقیت شما حتمی است!

به نظر شما ما انسان‌ها در طول روز چند ساعت زمان را صرف فکر کردن می‌کنیم؟

اکثرمان نمی‌دانیم... اما اگر میانگین آماری را دنبال کنیم چیزی حدود ۵-۸ دقیقه است. بله! شما درست خواندید...

افراد عادی در طول روز ۵ تا ۸ دقیقه زمان صرف عمل فکر کردن می‌کنند.

خب، اجازه دهید ماجرا را کمی جذاب‌تر کنیم: به نظر شما ما انسان‌ها در طول روز چند ساعت ذهنمان مشغول است؟

فکر کردن نه... بلکه فقط مشغولیت ذهنی؟ انسان‌ها به طور طبیعی کل روز را صرف فکر کردن راجع به مسائلی مشابه موارد

زیر می‌کنند:

برای مهمانی چی بپوشم؟

برای بیرون رفتن و خوردن شام به کدام رستوران بروم؟

کدام فیلم و سریال جدید را تماشا کنم؟

چرا همکارم خوبه یا بده؟

و... هزاران سوال دیگر که حتی یافتن پاسخ آنها ۱٪ هم منجر به بهبود اوضاع زندگی تان نخواهد شد!

چرا بیخودی ذهن‌مان را مشغول می‌کنیم؟

دلیل آن ساده است؛ ما هنوز یاد نگرفته ایم چطور فکر کنیم.

زمان مدرسه را به یاد دارید؟ از بدو ورود به دبستان به جای اینکه به ما اصول اولیه فکر کردن را بیاموزند، یاد دادند چطور

۱+۱ میشود ۲ اما هیچوقت نگفتند چرا یک سیب و یک موز نمی‌شود دو عدد آلبالو!

ما یاد گرفتیم داده‌هایی که به ما می‌دهند را فقط استفاده کنیم، اما هیچکس به ما تحلیل داده‌ها را یاد نداد... و اینچنین

شد که یا یاد نگرفتیم چطور فکر کنیم و یا خودمان بنا بر شرایطی خاص مجبور شدیم یاد بگیریم.

فکر کردن یعنی چه؟

اگر اصطلاحات و کلمات پیچیده فلسفی و روانشناسی را کنار بگذاریم، به زبان عامیانه و قابل فهم:

فکر کردن یعنی پیدا کردن یک سوال خوب و بدنبال جواب آن گشتن.

پس زمانی که میخواهیم صرف فکر کردن کنیم، باید اول بدنبال سوال صحیح بگردیم و بعد در قدم بعدی بدنبال پاسخ آن

باشیم.

حال در طول روز به نظرتان چند سوال خوب و درست از خودمان می‌پرسیم؟ تقریباً هیچی...

به قول ناپلئون بناپارت، یک سوال درست، نیمی از پاسخ صحیح است.

شما اگر بتوانید سوال صحیح را پیدا کنید و از خودتان بپرسید با پاسخ صحیح و کارگشا خواهید رسید. در این مقاله ۷ سوال

صحیح و فوق العاده اصولی که به شما کمک می‌کند به دنبال پاسخ‌هایی باشید که زندگی تان را متحول خواهد کرد، دنبال

می‌کنیم... اما اگر برای ۷ سوال زیر پاسخی همین الان ندارید، نگران نباشید.

چند وقت به خودتان فرصت بدهید تا پاسخ آنرا پیدا کنید. راجع به آن هر روز فکر کنید... تاثیر فکر کردن را خیلی بیشتر و

واضح‌تر خواهید دید:

سوال اول

چه کارهایی اگر این ماه انجام بدهم در زندگی‌ام پیشرفت می‌کنم؟

موضوع اصلی بر سر حاشیه امن زندگی است. جایی که فقط تصور می‌کنیم امن است اما خطرناکترین جایگاهی است که در آن

زمان تان را سپری می‌کنید. شما نیاز دارید مدام چالش‌هایی در زندگی‌تان داشته باشید که احساس ناراحتی کنید، ناآشنایی

با شرایط جدید و نامحتمل را تجربه کنید.

شما نیاز دارید افق‌های جدیدی که تا به حال تجربه نکردید را تجربه کنید. حتی، حتی، حتی اگر یک زندگی ایده آل دارید،

نیاز است آنرا بهتر کنید... این سوال ساده باعث می‌شود شما کشف کنید چه کارهایی بوده‌اند که از انجام آنها طفره رفتید،

تنبلی کردید و اصلاً نمی‌دانستید باید انجام شوند.

سوال دوم

چه وقت واقعا موفق خواهیم بود؟

«احساس حال حاضران نسبت به خودتان چیست؟» اگر این سوال را از اکثر مردم بپرسید، آنها پاسخی مشابه این خواهند داد: «هنوز نه... اما یک روز موفق می‌شوم.» اما در واقعیت، این «یک روزی...» هیچوقت از راه نخواهد رسید و یک امید پوچ است!

به یاد داشته باشید: مهم نیست الان کجا هستید، همین الان شما موفق هستید! حتی اگر فقط و فقط ۱ دلیل برای خواندن این مقاله تا به این سطر داشتید، شما فرد موفقی هستید. می‌دانید چرا؟ حتی اگر هیچ دستاورد بزرگ و خوبی نداشته باشید، شما موفق هستید. شما موفق هستید چون در مسیری به سمت مقصد موفقیت در حال حرکت هستید. مهم نیست مبدا شما کجاست... مقصد شما مهم است.

سوال سوم

چقدر قصد دارم ببخشم؟

اجازه دهید شفاف سازی کنیم، بخشیدن به منظور دادن پول، غذا و لباس به فرد بی‌خانمان نیست. بخشیدن یعنی چیزی از شما به سمت دنیای بیرون فرستاده شود. بخشیدن پول یک نوع بخشش است، اما تمام آن نیست. بخشیدن می‌تواند حتی یک لبخند زدن به راننده تاکسی خسته‌ای باشد که در طول روز به مسافران زیادی بگو مگو داشته است؛ بخشیدن می‌تواند خرد کردن و دادن نان خشک به پرندگان باشد، آیا به اندازه کافی می‌بخشید؟ چه برنامه‌ای برای بخشش این ماه دارید؟

سوال چهارم

چقدر هر روز ارزش آفرینی می‌کنم؟

هر روز از خودتان بپرسید چه خدمات یا کالایی را برای عرضه فراهم می‌کنید تا در زندگی مردم نقش زیادی ایفا می‌کند و برای مردم ارزشمند است که حاضرند بابت آن به شما پول بدهند؟ در دنیای امروز به هر میزان ارزش بیشتری ایجاد کنید، به همان میزان درآمد و روابط شما بیشتر می‌شود. اکثریت مردم از این موضوع ناراحتند که چیزهایی که می‌خواهند را ندارند بدون آنکه از خودشان بپرسند آیا چیزهایی که دیگران می‌خواهند را عرضه می‌کنند؟

سوال پنجم

چطور اکثر اوقات احساس خوشبختی داشته باشم؟

بیش از هر چیزی، شما کارها و مشغولیت‌ها و مسئولیت‌ها را قبول می‌کنید تا هر روز به نسبت روزهای قبل احساس خوشبختی بیشتری داشته باشید. اگر کارهای فعلی پاسخگوی میزان خوشبختی مورد نظر شما نیستند، بهتر است تجدید نظر کنید... اگر استانداردهای خوشبختی شما نیز بالاست، باز هم بهتر است تجدید نظر کنید.

آیا این اواخر بر سر کسی داد زده‌اید؟

آیا در ترافیک شهری کم طاقت می‌شوید؟

آیا می‌خواهید هر چه زودتر ساعت کاری تان تمام شود و به خانه برگردید؟

اگر اینطور است پس به احتمال زیاد شما شاد نیستید. شاد نبودن به معنی افسرده بودن نیست؛ شما شاد نیستید، یعنی سطح انرژی شما پایین است و خیلی زود از کوره در می‌روید.

با پرسیدن این سوال ذهن شما به دنبال راه‌حلی می‌گردد تا احساس خوشبختی را بیشتر در زندگی تجربه کنید.

سوال ششم

چطور می‌توانم شیوهی فعلی فکر کردنم را تغییر دهم؟

در دنیای پر از تغییرات امروز، بزرگترین ریسک با قفل و زنجیر افکار و باورهای خود را به خود قفل کردن است. اگر شما برای همیشه همانطور که قبلا فکر می‌کردید، فکر کنید؛ به احتمال زیاد در آینده دستاوردهای زیادی نخواهید داشت.

کافیست نگاهی به صاحبان کسب و کارهای کم رونق اطرافتان ببندازید. آیا آنها نمی‌خواهند در کارشان پیشرفت کنند؟ چرا می‌خواهند... آنها بیش از شما تشنه پیشرفت هستند. پس چرا اینکار را نمی‌کنند؟ چون باورهای کهنه و از رده خارج شده‌ای دارند. آنها نمی‌خواهند تغییرات را بپذیرند و با آن می‌جنگند.

بعضی اوقات لازم است راجع به پاسخ سوالات زیر فکر کنید :

چرا سطح انرژی و شور و شوق روزانه من کمتر از چیزی که می‌خواهم باشد؟

آیا کارهایی که در حال انجام آنها هستم من را به میزان درآمدی که می‌خواهم نزدیک میکند؟

آیا باورهای من نیاز به بروزرسانی دارند؟

سوال هفتم

آیا با تمام افرادی که کنارم هستند خوشحال هستم؟

هیچ راه میانبری برای پیدا کردن پاسخ این سوال نیست !

شما باید زمان زیادی را صرف یافتن پاسخ صحیح آن کنید، یکی از مهم‌ترین سوالاتی که باید پاسخ دهید، همین است.

افراد زیادی هستند که خیلی راحت به زندگی شما رخنه می‌کنند و خوشبختی و موفقیت شما را از شما می‌گیرند. این افراد

قاتل رویاهای شما هستند. هر ایده جدیدی می‌دهید، به شما می‌خندند، شما را دست می‌اندازند و زیاد جدی نمی‌گیرند.

زمانی که در کنارشان هستید، احساسی کمتر از آنچه واقعا هستید، دارید. این افراد سطح انرژی شما را کاهش می‌دهند و با

خودشان همسطح می‌کنند.

پس خیلی جدی، به روابطتان اهمیت دهید و یادبگیرید که چرا «چرا افراد موفق دوستان بازنده‌شان را ترک می‌کنند» چون

هر رابطه‌ای ارزش وقت گذاشتن ندارد... تمام افراد موفق این اصل را باور دارند.